

# برنامه‌ی پروژه نویسان برانداز- فردای پیروزی خیالی

اپوزیون و براندازی در جمهوری اسلامی را نمی‌شود در حد و اندازه یک "ژست انقلابی" تعریف کرد زیرا نمی‌شود هیچ رابطه‌ی معنا داری بین رفتارها یشان و ساختارهای واقعی موجود در جامعه پیدا کرد. برای ایجاد یک بستر انقلابی ادواتی لازم و شرط است که در جهت تضعیف ساختارهای یک حکومت پیش‌رود. هر اقدامی نیازمند ریل گذاری های اولیه است تا در قامت اعتراض و بعد شورش و در نهایت منجر به پیروزی نهایی شود.

کدام انقلاب در جهان با اذهان متوجه و آلوده به انواع فسادهای اخلاقی و... به نتیجه رسیده است که براندازان جمهوری اسلامی با عربیان کردن اندام‌های خصوصی شان در فکر نتیجه گرفتن هستند.

بطور کلی نگاهی به اعتراض دستگیر شدگان بیاندازید، هیچ کدامشان حتی وجود دفاع از رفتار خودشان را ندارند و خود را "فریب خورده ، هیجانی" آنهم در فضای مجازی معرفی می‌کنند.

رفتارشان فقط و فقط کارکرد رسانه‌ای دارد که خروجی آن چیزی جز تیترهای زرد و دهن پر کن غرب نیست.

در بدترین حالت ممکن در حوزه سیاست و علوم سیاسی حتی نمی‌شود اینها را "نهضت / جنبش" خواند چرا که هر نهضتی احتمال منتهی شدن به انقلاب را دارد. نهضت‌ها، پلتفرم و قوانینی دارد که \*اندام نمایی\* و ... در آن جایگاهی ندارد.

چه دلایلی می‌توان تعریف کرد که اپوزیون‌هایی مثل؛ منافقین ، سلطنت طلبان، تجزیه طلبان، ... رهبر واحدی ندارند؟

گروهک‌هایی که از عهده‌ی مدیریت انسانی ، جریان فکری ، منابع مالی ... خودشان عاجزند و کارکردی جز تولید رفتارهای تخریب گرانه‌ی مجازی و قتل و غارت ندارند ، چطور می‌خواهند جریان براندازی شان را سازماندهی کنند!

مهم واقعه ذاتی آنهاست که ناتوان از اداره امورات تشکیلاتی خود هستند.

باید فرض محال بگیریم براندازی آنها نتیجه داد ! فردای پیروزی آنها چه رنگی است؟

بنظر حقیر در صورت رخدادن این مسئله ، رنگ فردای پیروزی شان ، سرخ برنگ خون‌های خودشان است چرا که آمریکا و جیره خوارانش محال است برای این فردای خیالی ، جایگاهی جز قبرستان برایشان تعریف

کرده باشند...

بدنه‌ی جامعه بدون آسیب باید بماند تا بازوهای کارگری، استعمارگران باشند و این جامعه دیگر نیازی به مسیح علینژاد، مریم رجوی، کومله، داعش و ... ندارد.

این دقیقا برنامه اصلی پروژه نویسان براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

حذف فیزیکی هر شخص و جماعتی که با آنها طی این چهل سال ارتباط داشتند تا دستهای پنهان همچنان پنهان بماند.

پرستو مروجی

## زندان اوین

ماجرای زندان اوین بدون تردید یکی از پازل‌های طراحی شده اتاق فکر عاملان این اغتشاشات بود.

چرا اوین یکی از لوکیشن‌های این پازل بود؟

بدلیل نگهداری زندانیان سیاسی و بند امنیتی که خوراک عالی برای رسانه‌های غربی و براندازن است.<sup>۱</sup>

بی‌شک بستر سازی این سناریو از قبل کلید خورده بود و تیتر شبکه‌های اجتماعی اینچنین بود که: بسیاری از بازداشت شدگان را به اوین منتقل کردند..

آمادگی کامل برای موج خبری داشتند تا تیتر دوم را ترند کنند: حذف برخی زندانیان سیاسی توسط نظام

آماده و مسلح طبق روایات متعدد که البته روز قبل هم محسن‌هاشمی نوردیده‌ی مرحوم هاشمی و خانم عفت مرعشی به مرخصی رفت و نشون داد جاسوس دو جانبی هم از توبره خورده هم از آخر و همه چیز مهیاً ترور نافرجام و شانتاز خبری<sup>۲</sup>

دشمن همون دشمن با همون و برنامه و سناریو که از اجرای آن دست بردار هم نیست.

رفتار و اعمالشان هرگز در پیچ‌های تاریخ سرزمینم گم نخواهد شد، جنایاتی که بدون در نظر گرفتن هیچ اخلاق و اصول انسانی در حق مردم ایران انجام دادند.

سال ۱۳۶۰ دقیقاً این عملیات را در اوین پیاده کردند  
و اما ماجرا چیست؟

۸ تیر ۶۰ یعنی ۱ روز بعد از انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی توسط گروهک تروریستی مجاهدین خلق با برنامه قبلی توسط کاظم افجه ای و برخی را بطین منافقین در زندان اوین و محمد رضا سعادتی شیرازی اقدام به ترور اعضاً هیئت دادستانی آیت الله محمدی گیلانی و سید اسدالله لاجوردی می‌کنند... که با اقدام به موقع شهید کجویی\_رئیس زندان وقت اوین\_ پژوه ناکام می‌ماند و ایشان به شهادت رسیدند. از اوایل انقلاب اسلامی از اهمیت زندان اوین تا به امروز کاسته نشده است زیرا بستر مناسبی برای دامن زدن به هر ناامنی و هرج و مرج است.

تاریخ تکرار می‌شود...

---

۱) بند ۷ اوین بنام اندرزگاه ۷ بند ارازل و اوپاش می‌باشد و با بند ۸ که بند مخصوص زندانیان سیاسی است حدود ۲۰ متر فاصله دارد پشت ساختمان اندرزگاه ۷، بند امنیتی ۲۴۰ است.

۲) رجوع شود به مقاله "پژوه زندان اوین

---

## سلیبریتی ها...

رفتارهای هنجار شکنانه‌ی جامعه سلیبریتی در این اغتشاشات اخیر یک نکته مهم را برجسته می‌کند؛ "چرا این جماعت برای نمونه یکبار جامعه را بسمت هنجارهای مدنی تشویق نکردند،!" و "چرا برای بیان دیدگاه خود یا انتقاد و اعتراض، راه خشونت را انتخاب کرده‌اند!" صرف نظر از اینکه دانش تئوریک ندارند، با مداخله‌ی مستقیم در حوزه‌های تخصصی، جان و مال مردم را به خطر می‌اندازند؟ در کلیه رخدادهای سیاسی و اقتصادی در دو دهه اخیر کدام یک از این جماعت \* آسیب مالی \* یا \* آسیب جانی \* یا \* آسیب روانی \* دیده اند؟!

کدامشان فرزندش را به کف خیابان فرستاد که مثلاً کنار مردم باشند! اینها با ایجاد بازار سیاه، تیم فریب و تظاهر تشکیل می‌دهند و رفتارهای رادیکال را برای ما و فرزندان ما می‌خواهند، عقب می‌نشینند تا هم از آخر بخورند و هم از تو بره.

سلیبرتی‌ها بی‌با هویت "اسکیزوفرنیک" هر روز رنگ عوض می‌کنند تا به سهم خودشان در میدان قدرت یکه تازی کنند.

اینها نه انتقاد پذیرند و نه اهل گفتگو، به دور از بلوغ فکری با خودخواهی محض، مرگ را برای من و بچه‌ی من می‌خواهند تا به اصطلاح جامعه را اصلاح کنند و عمق درد و رنج درونیشان را که ماحصل زیاده خواهی و "خود بزرگ پنداری" است به کف خیابان بروان ریخت کنند.

به زعم خودشان جامعه‌ی معتبر را فرمانده می‌کنند، در پناه و سایه ی جمهوری اسلامی، گوشی بدهست به دور از آشوب و استرس به تولید دروغ با فی مشغولند.

شخصیت حقیقی و ذات آنها را در اینجا بیا بید، زمانیکه مسئله کُری خوندن و خود مطرح شان در بین است مع الاسف از هیچ دروغ و فحشی کوتاه نمی‌آیند و به اصطلاح "پَته‌ی همو رو آب میریزن" و حیا را قی می‌کنند... اما در رخدادهای سیاسی چنان هماهنگ و یکدست حرکت می‌کنند گویی انگشتان یک دستند. اگر همین هماهنگی و دلسوزی و گریه کردن را برای هم صنفان خود داشتند الان خیلی‌ها بیکار نبودند تا بدست فراموشی سپرده شوند.

اینها همانند که جامعه هنر و سینما را بلوکه شخص می‌کنند و با دیکتا توری محض کسی را به این قلمرو راه نمی‌دهند. بعد با پُر "روشنفکری دَم از آزادی و عدالت میزند.

نهایتاً اینها بازوهای محرك اتاق فکر غرب هستند تا با مفصل سازی احساسی، کوچکترین مسائل جامعه را به سمت "استادیومی سازی" پیش برند و چون طرفدارانی دارند و برای خودشان مصونیت قانونی، فرض می‌کنند که می‌توانند با یک جنجال سایبری مثل ملخک جستی بزنند. در این بزنگاه قوه قضائیه صرف نظر از مماشات و رآفت اسلامی می‌باشد مطالبه گر به حق مردمی باشند که توسط علی دایی‌ها و فاطمه معتمد آریا بی‌ها خسارت مالی و جانی دیده اند.

و در پایان حق آن طفل چند ماهه که از یک چشم نابینا شد را از چشماش درآورد هر چند هرگز جبران نمی‌شود یا بقولی برای آن بچه، چشم نمی‌شود.

# مدارس؛ خانه دوم - چرایی رفتارشناسی دانش آموزان در اغتشاشات ۱۴۰۱

همسر مهربان، [۱۲:۵۵ . ۷.۱۰.۲۲]  
مدارس، خونه دوم ...  
﴿ پرستو مروجی

دو رویداد مهم تاریخی ، در جهان اسلام محل اندیشه و عبرت است.  
هر دو پروردگار ای سنگین که برای اجرا یی شدن زمان طولانی و با برنامه مستمر صورت گرفت.

﴿ یک : پروردگار آندلس که بندۀ آنرا اینطور تعریف می کنم ؟  
اسلام یعنی آغاز "تمدن سازی"  
و هر جا تمدن اسلامی در حال شکل گیری بود و هست غرب برنامه مدون و ابزاری از پیش تعیین شده داشت و دارد که مهترین آن " تهاجم فرهنگی " و رخدان در تاریخ و پویا جامعه مسلمانان بود و هست .  
شهید مطهری عامل سقوط آندلس را ( فساد ، تباہی فکری ، شهوت ، ...) می دانستند پس می شود گفت: یک رشته عوامل فساد درونی و از هم گسیختگی فرهنگی زمینه های سقوط یک تمدن را ایجاد می کند. که دو حالت بیشتر ندارد یا با زور و جنگ مثل آندلس و نیجریه یا جنگ نرم و بی سر و صدا مثل امارات متحده عربی که بدون جنگ و خونریزی آندلسیزه شد.

ایران هم بعد از انقلاب اسلامی در دستور کار غرب قرار گرفت.  
﴿ دو : اسلام ترکیه ای که نیاز به توضیح آنچنانی ندارد . برنامه ای که غرب برای ایران و ترکیه چیده بود عادی سازی در همه ابعاد جامعه، که مصدق امروزی آن : دلت پاک باشه خدا به نماز ما احتیاج نداره ....

برنامه اسلام ایرانی و ترکیه ای که رضا خان ناتوان در اجرا یش شد اما آتا تورک موفق عمل کرد.  
اینها مقدماتی بود برای اصل مقاله تا بگوییم : دانش آموزان بخصوص در دهه اخیر در دستور کار آندلسیزه کردن ایران قرار گرفته اند.

با اجرای سند بیست سی ۲۰۳۰ شاهد تخریب ریزساخت های فرهنگی در قشر نوجوانان بودیم...  
ورود آهنگ های ساسی مانکن و خوندن گروهی ( آقا مون جنتلمنه... )  
و برخورد شدید رسانه های غربی با سلام فرمانده

نوجوانانی که بخاطر شرایط سنی شون شناختی از خودشون و جامعه ندارند را وارد بازی کثیف سیاست کرده اند و با پمپاژ هیجان و احساسات کاذب زندگی آنها را به خودکشی فحشا ناهنجاری میکشانند.  
این بچه ها محصول والدینی هستند که ده سال قبل تحت عملیات روانی رسانه ای دچار واژدگی مذهبی شده اند و نظارت غیر مستقیم و کنار بچه هاشون بودن و گرم کردن کانون خانواده را جایگزین قلیان کشیدن و سگ بازی و عضو گروه های تلگرامی... کردند  
و در نهایت وزیر آموزش و پرورش میباشد دست بجماند و با تصویب قوانین ایجابی و سلبی برای مدارس ، قطع ید کند تا دشمنان کمتر با روح و روان و زندگی این دلبندان پاک سرشت سرزمهین مان بازی کنند.

---

## قانون سقط جنین در آمریکا

من / حق من

#پرستو\_مروجی

دیوان عالی آمریکا بعد از پنجاه سال قانون ممنوعیت سقط جنین را لغو کرد و وضعیت را به قبل بازگرداند.  
طوری که دولت آمریکا با اعتراضات گسترده ای مواجه شده است.  
چند دستگی و منسجم نبودن گروه های شرکت کننده در تظاهرات مانع اساسی در تصمیمات خیابانی است.  
کاتولیک ها که سالهای است از فعالان ضد سقط جنین هستند با نگاهی دینی و رحمانی از این قانون حمایت میکنند.  
حامیان حقوق کودک هم جانی تازه گرفته و از کیان انسان هایی که از حق حیات محروم میشوند دفاع میکنند.  
بنظر مرسد ما بقی تماما مخالفانی هستند که تظاهرات خیابانی را پوشش میدهند.

در جامعه ای مثل آمریکا هر دو گروه ، منفعت طلبانی اند که از هر گونه اعتراض سود میجویند.

اما معارضین حقیقی چه کسانی اند؟ عموما زنان سیاه پوست که جز قشر ضعیف و بی پناه جامعه تعریف میشوند که به سقط جنین ناچارند این گروه تنها واقعیت تظاهرات خیابانی هستند که تنها قربانیان تجاوز ، رابطه غیر متعارف ، خارج از چارچوب میباشند ، اینها در کنار بزرگترین قاچاق چیان جنسی قرار گرفته اند تا از قدری و زور آنها ، چیزی نصیبشان شود.

تصویب قانون سقط جنین را از دو منظر بررسی میکنم :

یک : گروه عوام که نگران جیب و روابط شخصی شان هستند که کارشناسان جامعه شناسی آمریکا یی پیش بینی کرده اند در آینده ممکن است قوانین بر علیه « دگرباشان » جنسی تصویب شود . و نگرانی حامیان « حق انتخاب » آنها را به کف خیابان ها کشانده است.

دو : این قانون صرفا یک تصمیم سیاسی است نه در چارچوب مسائل حقوقی

دعواهای سیاسی بین دو جناح دموکرات ها که نتیجه انتخابات به نفع آنها رقم خورد و « بایدن » خسته از سیاست را بر روی کرسی ریاست اجبارا نشاند.

و جناح جمهوری خواه که برگ برنده آنها ، « ترامپ » شکست خورده است. اکنون جامعه آمریکا عملا چار گروگانگیری حزبی است همه این تظاهرات ، سر و صداها ، تنش های خیابانی... پوسته ظاهري است که توسط جمهوری خواهان راه افتاد تا با شانتاژ کردن مردم عامی با شعار « تن من / حق من » دموکرات ها را عقیم کنند.

در حوزه سیاست ، حذف رقیب تازگی ندارد و تنها قربانیان اصلی مردمی هستند که ناخواسته وارد دعواهای سیاسی میشوند ، بی مزد و توقع پادوهای کله گندها میشوند اما سودی عایدشان نمیشود هیچ ... مجرم هم شناخته می شوند ....

## تровер صياد خدا يي

مشت پوچ

#پرستو\_مروجی

در ابتدا قبل از ارائه تحلیل ، علت ترور را از عاملین اصلی بدانیم

بدنبال بیان علت اصلی از عاملین نباشد زیرا در حوزه امنیت اطلاعات هدف را فاش کردن نشت اطلاعاتی کندو محسوب خواهد شد و بنوعی مشت پُر باز نخواهد شد تا گره های بیشتری کور شود.

بعد از انجام هر عملیات ، تروریستها ابتدا توسط رسانه های وابسته غربی و ساده اندیشان داخلی مشت پوچ را باز میکنند تا با گل آلود کردن فضا ، بتوانند طوفان تناقض گویی به راه بیاندارند و ترور دوم را که همان « بی فکری حسی » است در جامعه هدف شلیک کنند.

علت های ترور :

شبکه 13 تلویزیون اسرائیل هم مدعی شد فرد ترور شده مسئول انتقال فناوری موشکهای پیشرفته و دقیق به حزبالله بوده است.

اینتل تایمز : مسؤول یکی از واحد های تهاجمی نیروی قدس بوده است.

فرد ترور شده در تهران احتمالاً در فعالیت های پهپادی مشارکت داشته است(!) ، همچنین احتمالاً عضو واحد 840، یگان اصلی فعال در سوریه بوده است.

...  
با توجه به عناوین مطرح شده یک تغییر کلی را در خط فکری صهیونیست ها شاهد هستیم عمدۀ فعالیت های تروریستی سازمان دهی شده آنها مسائل هسته ای ایران بوده است و با شهادت صیاد خدایی ، استراتژی جغرافیایی شان از نطنز و فوردو و اراك به سوریه سوییج شده است.

## □ مذاکرات بی هسته ...

یادآوری تاریخی لازم است تا عمق بیهودگی مذاکرات و بلا تکلیفی ملت ، درک شود.

از سال هشتاد و دو طبل مذاکرات نواخته شد. یعنی هجده سال ، بدون کوچکترین تغییر و تاثیری در روابط بین الملل و سفره ای ایرانی ها .

هجده سال معطلی بی وقفه و سر کار گذاشتن و فرصت سوزی بزرگ اگر جوانی در ابتدای مذاکرات بیست و دو ساله بوده و در اوج انگیزه و آینده ای روشن .. او امروز چهل سالگی اش را پشت سر گذاشته و فصل جوانیش سپری شده است...

- نتیجه این سالها « دیپلماسی غلط » بدون آینده ای روشن است .
- اکثریت مردم به این فهم مشترک رسیده اند اما این مسؤولان هستند که خود را به خواب زده اند و خیال بیدار شدن، ندارند.
- موضوع اصلی #مذاکرات\_هسته‌ای از ابتدا تا امروز هرگز رفع #تحريم‌ها علیه ایران نبوده است ، نمیشود اسمش را مذاکرات گذاشت زیرا آنها در مقام قاضی هستند و ایران در جایگاه متهم ، آنها میپرسند و ما باید پاسخ دهیم تا مثلًا رفع اتهام صورت گیرد.
- طی این هجده سال نتوانستیم اثبات کنیم برنامه هسته ای ما « صلح آمیز » است . این یعنی دست و پای بیخودی زدن که نتیجه ای جز بیشتر فرو رفتن نیست.
- آنها از ابتدا مدعی شدند « ایران در حال ساخت بمب اتمی است » و ما از ابتدا با دیپلماسی اشتباه فقط پاسخ دادیم تا جاییکه دشمن موفق شد در آب سنگین اراک بتن بریزد و شیخ حسن میلیاردہا هزینه را یک شبی به باد داد و کلی از هموطن های ما بیکار شدند، درحالیکه صاحب زن و بچه بودند.
- دیپلماسی غلط اساسا به همین شکل مدیریت میشود ، « امتیاز دادن به دشمن تا دست از سر ما بردارند» آیا امتیازی بالاتر از آب سنگین اراک سراغ دارید؟!
- تمامی اینها بهانه ایست که ما را در خود خفه کنند تا بتوانند دکمه مهار ایران را بدست بگیرند.
- انرژی هسته ای نه تنها حق ملت ایران است بلکه حق تمامی مردم دنیاست. « یک بام و دو هوا بودن » مصادقش اینجاست که آمریکا میتواند داشته باشد ما بقی نمیتوانند.
- دولتمردان دست از برجام بردارند و تمرکز خود را روی توانمندی های داخلی و جوانان بگذارند و نتیجه را مشاهده کنند. بنای مذاکرات غلط در شرایط فعلی کاملا مشهود است . پاسخی برایش ندارم وقتی در تاریخ ثبت شد « آمریکا برجام را پاره کرد » اما ایران دست بردار نیست.
- و در آخر عرض کنم : برجام اسم بزرگ شده ای « خود تحريمی» است. #برجام را آوردند تا وسیله ای باشد برای کوبیدن بر سر جوانان و شرایط عدم رشد و پیشرفت را مهیا کردن.
- برجام خروجی ایدیولوژی لیبرالیسم با چاشنی سکولار است.

والسلام

#پرستو\_مروجی

# چرا بی جهاد تبیین

□ جهاد تبیین  
■ پرستو مروجی

چرا بی جهاد تبیین و ضرورت آن در یک جمله خلاصه میشود « آغاز تحولی بنیادین از جهت کمیت(مقدار) و کیفیت (شیوه) متمایز از حرکت های قبل »

جهاد تبیین چراغ قرمزی برای ایست است ، تا در هنگام توقف ، بازنگری به کارنامه ۴۳ ساله انقلاب اسلامی شود، طبیعی است که از مرز هشدار عبور کرده ایم و نباید مثل سابق عمل کرد بلکه بصورت جهادی و انقلابی حقایق را کشف و سپس با تاکتیک روز بیان کرد. وقت آن رسیده است که بپذیریم مردم بیش از ۴۰ سال در آماج حملات رسانه ای دشمن و افکار عمومی تحت تأثیر جنگ شناختی و ادارکی و عملیات روانی قرار دارند.

ضرورت آن با نگاهی به جامعه بیشتر حس میشود جامعه ای که مدام در جریان تحریف، غبارآلود شده است. و ملت را از ایجاد تمدن نوین اسلامی که از آرمان های انقلاب بود با سیاه نمایی های غلط دور کرده است.

در این بین ناچارا باید از دشمن های داخلی و ساده لوحان با عنایتی همچون: مسؤولین ، روحانیت، جامعه دانشگاهی، هنرمندان... بیاد کرد که در موج های نادرست رسانه های غرب بنوعی در زمین آنها بازی کردند و زمینه ساز یک بستر خطرناک شدند که آن « فاصله بین مردم و مسئولان بود» .

باید های جهاد تبیین رسانه باید مسلح شود با رویکرد جدید تا بتواند خلاهای موجود را مرتفع کند.

عملیاتی شدن در راستای مقابله با اغواگری رسانه های غربی آموزش به بدنه جامعه تا دوست و دشمن را بتوانند تمییز دهند. شیوه دشمن در این ۴ دهه به حاشیه بردن مطالبات حقیقی مردم ، و برون ریخت و عرض اندام مشتی لات و لوت با چاشنی طنز و هرزگی کلامی در شبکه های اجتماعی ... بوده است. و در پایان این واژه مهم که چندی است در بیانات رهبر انقلاب

میشنویم ، ارتقاء تاکتیک های رسانه ای با افزایش بینش و دانش باضافه آمادگی کامل برای ورود به جنگ رسانه ای میباشد.

---

## راز ماندگاری شهید بهشتی و شهید رجایی

[http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2022/01/video\\_2022-01-16\\_11-32-28.mp4](http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2022/01/video_2022-01-16_11-32-28.mp4)

---

## همتی و مناظرات

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2021/06/202022.mp4>